



انترناسیونال

۱۳۱

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۶ اسفند ۱۳۸۴، ۱۷ مارس ۲۰۰۶

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

فراخوان به شرکت در
نظائر اتهای ضد جنگ
صفحه ۷

اسپانسورهای حزب و
کمکهای مالی دریافتی
صفحه ۷

علیه تروریسم دولتی غرب، علیه
تروریسم اسلامی بمیدان ییائید!
صفحه ۵

در حاشیه رویدادها
کاظم نیکخواه
صفحه ۸



حزب کمونیست کارگری، موقعیت جدید جنبش کارگری و چشم انداز آن

اصغر کریمی

گرفته است، همبستگی با
مبارزات یکدیگر، شکل گیری
دهها چهره علنی از رهبران
کارگری در شهرهای مختلف و
تغییرات قابل توجه در مطالبات

صفحه ۳

بافندگی کاشان و راهپیماییهای
آنها، مبارزه کارگران شرکت
واحد، ایران خودرو، کشتی سازی
ایران صدرا، نساجیهای قزوین،
پتروشیمی کرمانشاه، تحرکات
مختلفی که در سطح کشور برای
متشکل کردن کارگران شکل

حول حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار
تومان و اعلام این مساله که این
کارگران و نمایندگان منتخب آنها
هستند که باید حداقل دستمزد را
تعیین کنند، خواست انحلال
شوراهای اسلامی و حق تشکل،
مبارزات کارگران ریسندگی و

جنبش کارگری در سه سال گذشته
با گامهای استوار جلو رفته است
و دستاوردهای قابل توجهی
کسب کرده است. تحرك گسترده
در اول مه سال ۸۴، مبارزات و
پیروزیهای مهم در نساجی
کردستان در سنج، تحرك وسیع



ستون اول

حمید تقوایی

پیام به مناسبت فرارسیدن سال نو

مردم آزاده ایران!

فرارسیدن سال نو را به همه شما عزیزان تبریک
میگویم. سال گذشته سال پیشرویهایی بیشتر
شما مردم، کارگران و زنان و جوانان، علیه
جمهوری اسلامی و برای رسیدن به آزادی و
برابری بود. سالی که با طنین سرود
انترناسیونال در مراسم اول ماه آغاز شد و با
اعلام "نه فدرالیسم، نه ناسیونالیسم، رهایی
انسان سوسیالیسم" در جشن چهارشنبه سوری
مردم سنج به پایان رسید. گسترش و رواج
شعارها و سرودها و سیاستها و آرمانهای
رادیكال و چپ در جامعه، روندی که با شعار
"سوسیالیسم بیا خیز برای رفع تبعیض" از
سال ۸۳ حضور چشمگیر خود در مبارزات
اعتراضی علیه حکومت اسلامی را صریح و
روشن اعلام کرده بود، در سال ۸۴ ابعاد
تازتری بخود گرفت. مقابله جانانه کارگران و
مردم با مضحكه انتخابات و رسوا و مفتضح
کردن رفسنجانی و دیگر کاندیداهای
انتخاباتی، شورهای شهری علیه فقر و
بی حقوقی در شهرهای خوزستان و کردستان،
قطعنامه سوسیالیستی دانشجویان در ۲۰
آذر، مبارزات پیشرو و تعرضی کارگران
سنندج، مبارزه متحد و متشکل و
پیگیر کارگران واحد و حمایت بیسابقه کارگران

صفحه ۲

مانیتور

صفحه ۶



شعار مردم سنج در چهارشنبه سوری:

"نه فدرالیسم، نه ناسیونالیسم، رهایی انسان سوسیالیسم"

هشت مارس امسال گسترده تر و توده ای تر از هر سال بود

شهلا دانشفر

را داشتیم، قطعنامه ای که رهایی
بشریت و سوسیالیسم را فریاد
میزد.
از سوی دیگر هشت مارس را
ما امسال در شرایطی برپا کردیم

صفحه ۲

سطح جهانی انعکاس گسترده ای
داشت و بیش از هر چیز
رادیكالیسم این مبارزات و توازن
قوای جدیدی را در جامعه
بنمایش میگذاشت. هشت مارس
را ما در شرایطی برگزار میکردیم
که قبل از آن نیز قطعنامه ۲۰ آذر

بیشتر رنگ چپ و رادیكال بخود
میگیرد.
هشت مارس امسال در
شرایطی برپا شد که ما شاهد
اعتراضاتی از نوع مبارزات
کارگران اتوبوسرانی واحد بودیم،
مبارزاتی که در سطح جامعه و

هشت مارس امسال در فضای
كاملا متفاوت نسبت به سالهای
گذشته برپا شد. هشت مارس
امسال در شرایطی برگزار شد که
جنب و جوش اعتراضی، همه
بخشهای جامعه را در بر گرفته
است و این اعتراضات هر روز

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

پیام حمید تقوایی

جهان از این مبارزه، محکومیت آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی و دفاع از آزادی و برابری در بیابانها و قطعه‌نامه‌های ۸ مارس، اینها همه گوشه‌هایی از پیشروی جنبش انقلابی شما مردم علیه جمهوری اسلامی بود.

این جنبش انقلابی و چپ در مقیاس جهانی نیز حضور برجستهای داشت. مقابله با اسلام سیاسی در کشورهای غربی و مشخصا به شکست کشاندن طرح دادگاههای اسلامی در کانادا، مبارزه علیه اعدام و سنگسار و در دفاع از سکولاریسم و حقوق و آزادی زنان در کشورهای اروپایی و حمایت وسیع و بیسابقه کارگران جهان از مبارزه کارگران شرکت واحد، بیانگر بعد جهانی پیشرویهای جنبش چپ و سوسیالیستی است.

این جنبش با حزب ما، حزبی که در تمام لحظات و دقایق آن فعالانه حضور داشت و در بسیاری از این نبردها نقش تعیین کننده‌ای ایفا کرد، تداعی و نمایندگی میشود. سال ۸۴ سال عجیب شدن هرچه بیشتر حزب و انقلاب بود!

در برابر و در عکس العمل به صف سوسیالیسم و انقلاب، در جبهه ارتجاع، در صف جمهوری اسلامی و حامیان آشکار و پنهانش نیز تحولات زیادی صورت گرفت. قرار دادن یک پادوی حزب الهی در راس حکومت و روی آوری به سیاست سرکوب و ارباب هرچه بیشتر مردم یکی از این تحولات بود. به آخر خط رسیدن دو خرداد و سلطه کامل خط حزب الهی در دولت جمهوری اسلامی خود نتیجه و نشانه استیصال و ناتوانی

حمید تقوایی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اسفند ۸۴، ۱۵ مارس ۲۰۰۶

سایت حزب: www.wpiran.orgسایت روزنه: www.rowzane.comنشریه انترناسیونال: www.anternasional.comسایت کانال جدید: www.newchannel.tvآدرس تماس با حزب: markazi@ukonline.co.uk

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

از صفحه ۱

هشت مارس امسال
گسترده‌تر و توده‌ای‌تر از هر سال بود

که فضای تهدید جنگی و رجز خوانیهای آمریکا و غرب از یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر بالا گرفته و همه توجه جهان را بسوی ایران کشیده است. شرایطی که رژیم تلاش دارد هر حرکت و اعتراضی را در نطفه خفه کند و برای مردم خط و نشان میکشید. از اینرو هشت مارس امسال ویژه بود.

هشت مارس امسال مهر همه این تحولات سیاسی را بر خود داشت. اما بزرگداشت گسترده این روز بار دیگر و قبل از هر چیز نشان داد که نه سرکوب و نه فضای تهدید جنگی و رجزخوانی حول آن، در عزم جزم مردم برای به زیر کشیدن این حکومت توحش اسلامی خللی وارد نمیسازد.

بعلاوه، هشت مارس که علی‌القاعده روز مبارزه برای آزادی و برابری است، روز مبارزه علیه هرگونه تبعیض و ستمی بر زنان است، مهر فضای رادیکال و چپ جامعه را به خود داشت و دیدیم که زنان و مردان آزادیخواه امسال با شکوهرتر از هر سال این روز را گرامی داشتند و برجسته‌تر از هر سال فریاد زنده باد آزادی، زنده باد هشت مارس و زنده باد آزادی زن در مراسم و تجمعات این روز بلند شد.

در هشت مارس امسال ما شاهد قطعنامه‌هایی بودیم که در آن بر حقوق برابر انسانها و رفع هرگونه تبعیضی بر اساس جنسیت، نژاد و مذهب، از لغو آپارتاید جنسی و تامین رفاه کل جامعه، از حق تشکیل و آزادی بیان و اندیشه و آزادی تمامی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری از زندان سخن رفته بود. هشت مارس امسال رنگ ما چپها و ما کمونیستها را بخود داشت. هشت مارس امسال در نوع خود یک هشت مارس تاریخی بود.

آزادی زن طنین انداز بود. گفتند میشد که در پارک دانشجو بیش از ۵۰۰۰ نفر از مردم در خیابانها پخش بودند و آمده بودند این روز را جشن بگیرند و اینجا به محل درگیری مردم با نیروهای انتظامی تبدیل شده بود. نیروهای انتظامی به مردم حمله میکردند و مردم با انزجار فریاد میزدند وحشی برو گمشو. مینی بوسهای ویژه در محل پارک شده بود و جوانان را در دستهای هفت هشت نفری دستگیر میکردند، ضرب و شتم میکردند، مردم آنها را هو میکردند. نیروهای انتظامی از هر سو که حمله‌ور میشدند، از سوی دیگر صدای شعار دادن و سرود آزادی بلند میشد. در این روز مردم سرود خواندند، شعار دادند و ایستادند و هشت مارس را به عنوان یک روز تاریخی پاس داشتند. وقتی به زنان حمله میشد با اعتراض فریاد میزدند چرا به ما حمله میکنید، این روز روز ماست، حق ماست که روز خود را جشن بگیریم و به کار خود ادامه میدادند. پلاکاردهای سرخ زنده باد آزادی زن در شهرهای مختلف در تهران، در سنجند، در اصفهان و در جاهای مختلف در اجتماعاتی که برپا شده بود، چشمگیر بود. در این روز دختر و پسر بیرون بودند و دیوارهای آپارتاید جنسی را با اعتراض متحد خود شکسته بودند. حجابها کنار زده شده بود و باری دیگر ما شاهد بلند شدن صدای آزادیخواهی و صدای اعتراض علیه نابرابری و تبعیض بودیم.

هشت مارس امسال بیش از هر سال توده‌ای بود و به درون خانواده‌ها و جامعه رفت. یک نمونه برجسته آن حرکت کارگران شرکت واحد بود که در تجمع اعتراضی‌ای که آنها در ادامه اعتراضات خود، در این روز داشتند، قبل از هر چیز روز هشت مارس، روز جهانی زن را به تمام مردم جامعه و تمام کارگران شادباش گفتند. هشت مارس امسال باشکوه بود. زنده باد هشت مارس*

یک دنیای بهتر
برنامه حزب کمونیست کارگری
را بخوانید!

از صفحه ۱

حزب کمونیست کارگری، موقعیت جدید جنبش کارگری و چشم انداز آن

و توقعات کارگران و نقد آنها از وضع موجود و دهها نمونه درخشان دیگر در مراکز کارگری، بیانگر رشد چشمگیر خودآگاهی طبقه کارگر و ارتقاء مبارزات کارگری است. بعلاوه از نظر کمی امروز ابعاد اعتصابات در تاریخ جنبش کارگری ایران بیسابقه است و از طرف دیگر اعتصابات هرروز بیشتر و بیشتر به مراکز بزرگتر و کلیدی‌تر کشیده شده و اشکال پیچیده‌تر و تکامل یافته تری بخود گرفته است.

برای بررسی موقعیت جدید جنبش کارگری نمیتوان به پر سر و صداترین و مهمترین مورد آن یعنی اعتصاب کارگران شرکت واحد اشاره نکرد. اعتصاب کارگران واحد عصاره پیشروی عمومی جنبش کارگری بود و تأثیرات مهمی نیز متقابلاً بر جنبش کارگری باقی گذاشت. جا دارد قبل از هرچیز باز هم بر جنبه‌های مهم این اعتصاب مرور کنیم و در پرتو آن موقعیت جدید جنبش کارگری را بررسی کنیم.

اعتصاب کارگران شرکت واحد هفته‌ها موضوع داغ جامعه بود و سایه خود را بر همه جا گسترانید، همبستگی بین‌المللی چشمگیری را بدنبال داشت و برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری ایران در تعداد قابل توجهی از رسانه‌های پرتیراژ در کشورهای مختلف آمریکا و اروپا منعکس گردید. این مبارزه با خشونت سرکوب شد اما تأثیرات دیرپای آن چراغ راهنمای جنبش کارگری خواهد شد. اعتصاب واحد علیرغم ضعفهای جدی از جمله عدم اتکای سازمانیافته به توده کارگران از طریق برگزاری مجمع عمومی، از برخی جنبه‌ها بیانگر پیشروی جنبش کارگری و سطح انتظارات و توقعات کارگران از زندگی و موقعیت آنها در جامعه بود. مطالبات مهمی از جمله حق تشکل، انحلال شوراهای اسلامی، قرارداد دسته جمعی با نمایندگان منتخب کارگران، برسمیت شناسی سندیکا، خواست تعیین حداقل دستمزد توسط نمایندگان منتخب کارگران، اعتراض به سانسور اخبار مبارزه آنها در رسانه‌های کشور، تلاش مستمر برای رساندن صدای اعتراض

کارگران به جامعه و به سازمانهای کارگری در سطح بین‌المللی از طریق صدور اطلاعیه و ارسال نامه و تماس و مصاحبه با رسانه‌های اپوزیسیون، و از این طریق تلاش برای تبدیل این اعتراض به یک موضوع اجتماعی فراتر از محدوده کار و جلب همبستگی در داخل و در سطح بین‌المللی، به جلو صحنه آمدن طیفی از رهبران کارگری، اشکال پیچیده و پیشرفته‌ای از سازماندهی، و نقد عمیق از اوضاع مشقت بار کارگر و مصائب اجتماعی این طبقه در جامعه که از زبان برخی از رهبران کارگران واحد مطرح میشد، همگی نشانگر ارتقای عمومی جنبش کارگری بود. نشانه پیشرفت‌های عمومی در جنبش کارگری بود که خود را بطور همه جانبه‌ای در اعتصاب کارگران واحد نشان میداد. موضوع این اعتصاب چنان اجتماعی شده بود که شب ۸ بهمن که قرار بود اعتصاب شروع شود، نفس جامعه در سینه حبس شده بود. جامعه چشم به این اعتصاب دوخته بود. سازمانهای کارگری از اعتصاب خبر داشتند و آماده پشتیبانی از آن بودند، رسانه‌های متعددی آماده انعکاس اخبار آن بودند، و اعتصاب علیرغم اینکه در همان دقائق اول بیرحمانه سرکوب شد و هزار زندانی داد اما مثل توپ منفجر شد و ترکش آن همه جا را گرفت. این اعتصابی در محدوده یک کارخانه نبود که گوئی به خارج از محیط کار مربوط نیست. بخش قابل توجهی از جامعه دیگر میدانست که خواست کارگران چیست، چرا قرار است اعتصاب کنند و جواب رژیم و شگردها و تاکتیکهای چیست. این مساله الگوی بسیار جدیدی در مقابل جنبش کارگری و جنبش آزادخواهانه مردم گذاشت. سطح توقع کارگر از جایگاه اجتماعی این طبقه را در اذهان خود کارگران و در جامعه بالا برد. و بویژه تبدیل شدن این مساله به یک مساله داغ در سطح جامعه و در سطح بین‌المللی برای هفته‌های متمادی، قدرت و پتانسیل این طبقه را به همگان و به هر ذهن نابآوری نشان داد. این خود منشا تغییرات مهمی در جنبش

کارگری خواهد شد. به همین دلیل اعتصاب کارگران ایران صدرا و پتروشیمی ماهشهر و شیشه سازی میرال و نساجیهای قزوین را نمیتوان بدون تأثیرات مهم این اعتصاب بررسی کرد.

جنبش کارگری با اعتصاب واحد گامهای بزرگی به جلو برداشت. اهمیت این اعتصاب را در عین حال باید از رودروئی خشن جمهوری اسلامی با آن بررسی کرد. از زاویه رژیم اعتصابی با این درجه از قدرت و پتانسیل و تأثیرگذاری باید سرکوب میشد تا همانطور که قالیباف توضیح داده بود کارگر فکر نکند که با اعتصاب میتواند به خواستهایش برسد و ضدانقلاب بتواند سوء استفاده کند و نفوذ خود را گسترش دهد.

اما اعتصاب کارگران واحد در ادامه تجارب غنی مبارزه در مراکز دیگری بود. بدون تجارب ارزشمند اعتصابات کارگران کارخانه‌های شاهو و نساجی در سنندج، اعتصاب واحد با این مختصات صورت نمیگرفت. اعتصاب کارگران واحد ابتدا به ساکن نبود. فقط ناشی از وجود سندیکا در واحد نبود. خود سندیکا نیز بشدت در جریان این اعتصاب متحول شد. بعنوان مثال علیرغم سرکوب اعتصاب که معمولاً موجب قانونگرایی و محافظه‌کاری میشود، گرایش قانونگرا در سندیکای واحد در مقابل گرایش رادیکال بشدت تضعیف شد. سترونی و غیرواقع بینانه بودن گرایش سندیکالیستی هرروز خود را برای طیف وسیعتری از فعالین اعتصاب و برای بخش پیشرو جنبش کارگری در سطح کشور نشان میداد و راه حلهای رادیکال حقانیت و اثربخشی خود را در جریان لحظه به لحظه مبارزه اثبات میکرد و به جلو میراند. "جناب آقای قالیباف" در ذهن بخشی از کارگران، در پایان اعتصاب به مهره ناچیزی در کنار محبوب و سایر چماقداران تبدیل شد. با اعتصاب کارگران واحد و از آنجا که همه چیز آن در مقابل چشمان مردم انجام میشد و این یک نقطه قوت مهم و تازه‌آن بود، جنبش کارگری به اندازه ده سال پخته شد و

به پختگی فعالین جنبش کارگری کمک شایانی نمود. جنبش کارگری بدنبال اعتصاب واحد یک سر و گردن بالا رفت و موقعیت آن در میان مردم، نزد رژیم، نزد جهانیان، در میان طیفهای مختلف اپوزیسیون ارتقا یافت. چنان قدرتمند بود که راست را به دنبال خود کشانید. جنبش کارگری نشان داد که حتی در توازن قوای فعلی بسیار قدرتمندتر از آن است که تصور میشد. جنبش کارگری قدرت خود را در عکس العمل رژیم و اپوزیسیون راست مشاهده کرد.

یک وجه دیگر پیشروی جنبش کارگری را باید در ارتقای مبارزه حول افزایش دستمزد در سال ۸۴ دید. مبارزه نسبتاً گسترده حول خواست حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان در شهرهای مختلف کاشان، تهران، بهشهر، کرمانشاه و سنندج، کرج و اصفهان یکی دیگر از بروزات پیشروی جنبش کارگری بود. مراکز قابل توجهی برای اولین بار اعلام کردند که حداقل دستمزد را خود کارگران تعیین میکنند و به شورایی‌عالی کار و مرجعی غیر از خود آنها واگذار نمیکنند. بعلاوه رقمی بسیار فراتر از چهارچوبهای مورد منازعه میان شوراهای اسلامی و دولت را بعنوان حداقل دستمزد خود اعلام کردند. سندیکای کارگران واحد طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که دستمزد باید توسط نمایندگان منتخب خود کارگران تعیین شود. و در هفته‌های اخیر مراکز متعددی در سنندج، جمعی از بازنشستگان در تهران و تعداد قابل توجهی از فعالین شرکت واحد اعلام کرده‌اند که حداقل دستمزد نباید کمتر از ۵۰۰ هزار تومان باشد. این تحرك نشانه خودآگاهی بیشتر، سطح توقع بسیار بالاتر، اتحاد مستحکم‌تر و افقی روشن و پیشرو در مقابل جنبش کارگری است. این تحرك نشان میدهد که علیرغم تحمیل یک زندگی سه بار زیر خط فقر به طبقه کارگر، علیرغم بیکاری وسیع و تبدیل میلیونها کارگر به کارگر قرارداد موقت و تماماً بیحقوق، طبقه کارگر تسلیم نشده و سطح توقع پیشروانش از زندگی پائین نیامده است. این مساله بیانگر این حقیقت است که با شکستن خفقان طبقه کارگر با چه توقعات و مطالباتی در صحنه

سیاسی جامعه پرچم خود را بلند خواهد کرد.

اعتصابات ارتقاء کیفی یافته است:

قبل از هرچیز از خلال اعتصابات کارگری است که میتوان تغییرات این جنبش را از جنبه‌های مختلف مشاهده و بررسی کرد. اعتصاب هم از نظر کمی بسیار گسترش یافته است و هم از نظر کیفی شکل و شمایل متفاوتی از گذشته بخود گرفته، سازمان یافته‌تر و بسیار آگاهانه‌تر شده است. اعتصاب در نساجی کردستان ۵۸ روز طول کشید تا نهایتاً مدیریت همراه با ارگانهای مختلف حکومت تماماً به خواستهای کارگران تمکین کردند و بدینصورت کارگران به اعتصاب خاتمه دادند.

کارگران ایران صدرا ۲۱ روز اعتصاب کردند تا به همه خواستهای خود رسیدند و سپس اعتصاب کردند و حقوق روزهای اعتصاب را نیز گرفتند. اعتصابات طولانی بدون سازمان یافتگی، اعتماد به نفس، اتحاد، امیدوار بودن و افق داشتن عملی نیست.

کارگران نساجی کردستان، ایران خودرو و شرکت واحد با شروع اعتصاب کمیته اعتصاب سازمان دادند تا جنبه‌های مختلف اعتصاب را سازمان دهند. در نساجی کردستان و شاهو در سنندج، در ایران صدرا و پتروشیمی کرمانشاه کارگران دست به انتخاب نمایندگان منتخب خود زده‌اند و به شوراهای اسلامی تمکین نکرده‌اند. رهبران اعتصابات از فرصت استفاده میکنند و مرتب کارگران را در جریان مذاکرات و قدمهای بعد قرار میدهند. به سانسور مبارزه خود اعتراض میکنند و از رسانه‌های اپوزیسیون استفاده میکنند تا صدایشان را به گوش جامعه برسانند و اعتصابشان را به موضوعی فراتر از کارخانه، به موضوعی اجتماعی تبدیل کنند.

همسران کارگران شروع به ایفای نقش کرده‌اند. در اعتصاب شرکت میکنند، نامه‌های سرگشاده مینویسند، سخنرانی میکنند، با رسانه‌های مختلف مصاحبه میکنند و خود را فعال این جنبش به حساب میاورند. در واقع نیروی

مهمی به جنبش اعتراضی کارگران اضافه شده است. و این بحثی کمی نیست. مبارزه طبقه کارگر است که بسیار اجتماعی تر شده و بعنوان موضوعی مربوط به کل جامعه به وسط صحنه آمده است.

در جریان اعتصاب کارگران کمتر فریب میخورند و به دشمنان خود و وعده های آنها اعتماد نمیکنند، گاهی آنها را وادار به تعهدات کتبی و رسمی تری میکنند، مهلت تعیین میکنند و در صورت عدم تحقق مطالبات خود در موعد مقرر بسرعت دست به اعتصاب مجدد میزنند. تعرضی تر هستند و تا به نتیجه نرسند دست از مبارزه برنمیدارند. این دارد به خصوصیت پایدار و عمومی در جنبش کارگری تبدیل میشود.

نکته بسیار قابل توجه اینکه در مواردی با احضار فعالین کارگری به اطلاعات، کارگران دسته جمعی در مقابل دادگاه و غیره حضور مییابند و در واقع به وزارت اطلاعات هشدار و اخطار میدهند که از این کارها دست بردارد. دارند اعلام میکنند که دوره ارباب گذشته است و با توده کارگران مواجه است. در عین حال رهبران مبارزه خود را تحت پوشش و حمایت فعال خود قرار میدهند.

اینها نشانه های رشد کیفی قابل توجه اعتصابات، سازمان یافتگی بهتر، طولانی تر شدن، روشن تر بودن مطالبات، و رهبری شدن بهتر اعتصابات است.

تبدیل اعتصاب به امر جامعه:

نکات فوق همگی نشانه بلوغ طبقه کارگر است. پیشرویهایی که برشمرده محصول سنتهای تازه ای در جنبش کارگری و عقب راندن سنتهای کهنه است. طبقه کارگر باید بعنوان صاحب جامعه و رهبر جامعه قد علم کند، خود را بمشابه ناجی به کل جامعه معرفی کند، صلاحیت خود را برای رهبری مبارزات عادلانه مردم نشان دهد، قدرت خود را برای تغییر اوضاع و عقب راندن رژیم نشان دهد، رهبران خود را به جامعه معرفی کند، مطالبات خود را به جامعه اعلام کند و جامعه را حول آنها بحرکت درآورد. سه سال گذشته طبقه کارگر بخشی از این مسیر را پیموده است و امروز در موقعیت اجتماعی بسیار

متفاوتی قرار گرفته است. نمیتوان رهبر جامعه شد اما رهبران برجسته، روشن، رادیکال، با کالیبر بالا به جامعه معرفی نکرد، به جامعه راه پیروزی را نشان نداد و قدرتمانی نکرد. و لازمه اینها قبل از هر چیز در گرو این است که طبقه کارگر به نیروی خود واقف شود. بسیاری از اعتصابات کارگری نشان میدهند که کارگران دارند این نیرو را میشناسند و به میدان میاورند. کارگران اکنون تجارب زیادی دارند که با اعتصاب و پافشاری بر خواسته های خود، مدیریت و کارفرما و وزارت کار و حراست و اطلاعات و استانداری و غیره را یکجا تسلیم کرده اند.

اعتصاب همیشه علنی است و همیشه رهبرانی این مبارزات را هدایت کرده اند. اما دامنه فعالیت رهبران اعتصاب بنا بدلائل مختلف از جمله سرکوب و نیز غلبه سنتهای چپ فرقه ای و غیر اجتماعی، از محدوده کارخانه به ندرت فراتر رفته است، همینطور که خبر اعتصابات کمتر در سطح جامعه منتشر میشده است. در سالهای اخیر اما تعداد قابل توجهی از رهبران کارگری در سطح شهر و گاهی در سطح کشور شناخته شده اند. رهبران کارگری اینجا و آنجا مصاحبه میکنند، اطلاعات میدهند، با اسم و رسم خود با جامعه صحبت میکنند، به مجامع جهانی و سازمانهای کارگری نامه میدهند. موقعی که مورد تهدید و بازجویی قرار میگیرند جامعه را مطلع میکنند.

اینها صرفنظر از اینکه رژیم را محدود میکنند و تهدیداتش را خنثی میکند، موجب شناخته شدن رهبران کارگری در مقیاس وسیعتری میشود. سه سال پیش موقعی که از کارگر و مبارزه کارگر بحث میشد اسمی از فعالین کارگری به ذهن کسی خطور نمیکرد، امروز دهها نفر از رهبران کارگری در سطح کشور کم و بیش در میان مردم شناخته شده اند. به این معنی جنبش کارگری هویت روشن تری دارد و چهره هایی دارد و این در کنار فاکتورهای دیگر موجب افزایش ثقل جنبش کارگری در جامعه شده است. حضور رو به رشد همسران کارگران در مبارزات یک وجه دیگر اجتماعی شدن مبارزات کارگری است. بطور خلاصه باید گفت که

جنبش کارگری سرش را از لاک خود بیرون آورده است. بمشابه نیروی دارد در صحنه جامعه قد علم میکند، رهبران خود را به جامعه میشناساند و بدینترتیب نیروی جدیدی مییابد. جنبش کارگری در یک کلام تعیین اجتماعی بیشتری یافته است و این موقعیت جنبش کارگری را در جامعه عوض کرده است.

کمونیسم کارگری و طبقه کارگر:

و اینها همه نشاندهنده رشد کمونیسم در طبقه کارگر است. گرایش کمونیستی کارگری همیشه در میان طبقه کارگر در همه جا وجود داشته است. قدمت آن به قبل از مارکس و مانیفست برمیگردد. در ایران این گرایش در مقابل رفرمیسم و سندی کالیسم قوی است. انقلاب ۵۷ سوسیالیسم کارگری در ایران را فعال کرد. مارکسیسم فضا و فرجه ای برای رشد پیدا کرد. در درون جنبش کارگری کمونیسم کارگری خود را در عروج شوراها و مبارزه برای کنترل کارگری نشان میداد و آشکار بود که این گرایش از سایر گرایشات در درون جنبش کارگری قوی تر است و دست بالا را دارد. در طول بیش از دو دهه از سرکوبهای بعد از سال ۶۰ و افت و خیزها و تغییر بافت جنبش کارگری، امروز طبقه کارگر و گرایش کمونیستی کارگری در درون این طبقه بار دیگر و با مختصات جدیدی به میدان میاید. نسل جدید و جوان در جنبش کارگری با روحیات و خصوصیات متفاوتی از فعالین کارگری دهه پنجاه و شصت به وسط صحنه آمده اند و نبض جنبش کارگری را بدست دارند. امروز این نسل است که به کمونیسم متمایل میشود. این نسل از زندگی متوقع تر است. نسلی شکست نخورده است. این نسل است که شروع به آشنائی با مارکسیسم و کمونیسم کارگری، منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری کرده است. این نسل با پا گذاشتن به صحنه مبارزه، حزبی را میببیند که این طبقه را در سطح جامعه و در سطح مارکو نمایندگی میکند. طبقه کارگر قبل از هر چیز به حزبی نیاز دارد که در قلمرو سیاست سراسری و در جدال قدرت او را نمایندگی کند. سخنگوی آن باشد و در مسیر پیچ

و خم مبارزه و در تندبیهایی سیاسی بخوبی عبورش دهد و مبارزاتش را هدایت کند. حزبی که نقد عمیق کارگر به این نظام را بیان کند و فشار این نقد را بر نظم موجود و جنبشهای دیگر حفظ کند. حزبی که پرچم کارگر، پرچم مساوات طلبی و آزادیخواهی را بلند کند و در مقابل جنبشها و احزاب طبقات دیگر حضور داشته باشد تا طبقه کارگر و کل جامعه آنرا و اهداف و سیاستهایش را ببیند و بتواند انتخاب کند.

سه سال گذشته دوره آشنائی وسیع نسل جوان جنبش کارگری با حزب بوده است. دوره جلب اعتماد آنها به حزب بوده است. سالهای گذشته کمونیسم در جامعه ایران توده ای تر شده است، حزب و رهبرانش در میان کارگران و بخشهای مختلف مردم گمنام نیستند. تصویر عمومی از کمونیسم به درجه زیادی عوض شده است. کمونیستهای کارگری با آزادیخواهی و انسان دوستی، با مبارزه سازش ناپذیر در مقابل جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی، و دفاع سرسختانه از مطالبات آزادیخواهانه و عادلانه بخشهای مختلف مردم محروم و زحمتکش شناخته میشوند. تصاویر دروغین و تحریف شده گذشته بسرعت جای خود را به تصویری حقیقی تر از کمونیسم، از آزادیخواهی و انسان دوستی عمیق آن، از ارتباط نزدیک آن با زندگی و مبارزه، با کارگر، زن و جوان و مردم محروم بوده است. سالهای گذشته دوره مصافهای مهم سیاسی، دوره جلو صحنه آمدن احزاب و گرایشات مختلف اپوزیسیون و کنار رفتن پرده ها و شفاف شدن تمایزات میان آنها و آشنائی عمیقتر مردم و بویژه نسل جوان کارگران با حزب و ایده های کمونیستی بوده است.

بر متن چنین اوضاعی و در عین حال بعنوان یک نتیجه این روند، اعتصاب پیروزمند کارگران نساجی کردستان، چشمهای زیادی را به قابلیت حزب کمونیست کارگری در هدایت جنبش کارگری دوخت و فعالین کارگری زیادی را متوجه حزب کرد. اما خود این مرکز کارگری، یک مرکز کلیدی نبود که نقش تعیین کننده ای در سطح جامعه داشته باشد. یکسال بعد از آن، اعتصاب واحد اعتصاب نساجی را

تکمیل کرد. اینبار یک مرکز بسیار کلیدی و حساس در تهران پا به مبارزهای قدرتمند گذاشته بود و کل جامعه را متوجه خود کرده بود و تلاش وسیع حزب در کنار این اعتصاب موجب شکستن برخی تابوها در مقیاس جامعه شد. اعتصاب واحد نفوذ و اتوریته حزب را در جنبش کارگری بویژه در میان رهبران و فعالین کارگری دگرگون کرد و اعتماد عمیقی را شکل داد. این هم برای جنبش کارگری و هم برای حزب کمونیست کارگری و قدرت و توانائی و آمادگی آن برای درگیر شدن در اعتصابات و مبارزات روزمره طبقه کارگر اهمیت حیاتی دارد. این هم حزب را از موقعیت تازه ای برخوردار میکند و هم جنبش کارگری را.

پیشروی جنبش کارگری در گرو چیست؟

تا اینجا به برخی جنبه های پیشروی مبارزات کارگری اشاره کردیم و مولفه هایی را که به پیشروی منجر شده است برشمریم. این موفقیتها اما اگر به تشکلهای پایدار منجر نشود شکننده است، قابل بازپس گیری است. این درست که کارگران در جریان اعتصابات متشکلاتر از گذشته عمل میکنند اما هنوز در تشکلهای توده ای خود جمع نشده اند. از شوراها ی اسلامی ناراضی اند اما تشکل خود را نتوانسته اند ایجاد کنند. در رابطه با حزب نیز هرچند بر نفوذ حزب افزوده شده است اما این نفوذ به گسترش تشکیلاتی قابل توجهی نینجامیده است. الگوهای موفق که در اعتصابات دیده میشود اگر بخواهد همه گیر شود و ثابا به اعتصابات قدرتمند و موفق منجر شود و فشار جنبش کارگری را در سطح جامعه بیان کند، نیاز به سازمان دارد، هم سازمان توده ای کارگری و هم سازمان حزبی. اولاً به سازمان توده ای نیاز دارد که بر توده کارگران اتکا کند، به آنها شخصیت دهد، رهبران سرشناسی را جلو خود بگذارد، و مانع دست درازی حکومت اسلامی به آنها شود تا بتواند اعتصابات قدرتمند و موفق سازمان دهد. در کارخانه های شاهر و نساجی و بویژه در جریان اعتصابات مکرر و طولانی مدت

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

در سالروز حمله نظامی به عراق علیه تروریسم دولتی غرب، علیه تروریسم اسلامی بمیدان بیایید!

در ۱۹ مارس ۲۰۰۳، آمریکا و موئتلفینش علیرغم مخالفت گسترده بشریت آزادیخواه جهان، به عراق حمله کردند. دنیا شاهد بود که به نام "مقابله با تروریسم"، عظیمترین تروریسم دولتی را سازمان دادند و به نام "مقابله با سلاحهای کشتار جمعی"، مردم عراق را با مهیبترین سلاحها کشتار کردند. ظاهراً قرار بود با بمب و موشک برای مردم عراق ارمان دمکراسی ببرند، اما به تروریسم لجام گسیخته اسلامی و قومی زمینه رشد دادند و امروز عراق را به کام جنگ داخلی کشاندند. جنگ آمریکا در عراق به سقوط رژیم دیکتاتور صدام و حزب بعث منجر شد، اما همراه با سقوط صدام، جامعه عراق به بربریت سقوط کرد و موجب سردآوردن و میداندار شدن نیروهای تروریستی و ضد جامعه در عراق شد. حزب ما قبل از حمله به عراق

وضعیت امروز عراق را پیش بینی کرد و در مورد آن هشدار داد. ما گفتیم که تروریسم دولتی آمریکا و ناتو به تروریسم اسلامی زمینه رشد میدهد و نه فقط عراق و منطقه بلکه جهان را به میدان تاخت و تاز تروریسم اسلامی تبدیل میکند. ما حتی قبل از حمله به افغانستان گفتیم که کشته شدن و یا دستگیری بن لادن سر سوزنی به تروریسم اسلامی ضربه نمیزند. امروز نه فقط در عراق و منطقه بلکه در هر گوشه جهان، مردم بیگناه قربانیان تروریسم اسلامی اند. سیاست "جنگ پیشگیرانه" آمریکا تنها به رشد تروریسم در ابعاد جهانی منجر شده است. حمله به عراق تروریسم و خطر تروریسم را محدود نکرد بلکه تشدید کرد. اما در پوشش تبلیغات جنگی حول سلاح کشتار جمعی و تروریسم و غیره، این جنگ هدفی دیگر داشت.

هدف اصلی این جنگ تامین هژمونی آمریکا بر جهان با اتکا به قدرت برتر نظامی بود. تقابل تروریسم دولتی آمریکا با تروریسم اسلامی يك وجه از مجموعه کشمکشهای بورژوازی جهانی در دنیای بعد از جنگ سرد و مشخصاً بعد از واقعه تروریستی ۱۱ سپتامبر است. جامعه در هم کوبیده شده عراق نمونه بارز توحش سرمایه داری عصر ماست. خروج همه نیروهای اشغالگر و خلع سلاح کلیه دار و دستههای مذهبی و قومی که در کنار و یا در برابر اشغالگران عراق بجان مردم و بجان یکدیگر افتاده اند اولین شرط رهائی جامعه عراق از وضعیت فاجعه بار کنونی است. امروز مقامات آمریکائی از حمله نظامی به ایران صحبت میکنند. به واقعیت پیوستن تهدید آمریکا و اسرائیل در حمله نظامی به تاسیسات

هستهای ایران، نه فقط پیامدها و تاثیرات مخرب انسانی و اکولوژیک و تکرار فجایعی چون چرنوبیل و یوئینون کارباید را در ابعادی گسترده تر به همراه خواهد داشت، بلکه به تقویت رژیم جمهوری اسلامی در ایران و تقویت تروریسم اسلامی در منطقه و جهان و همینطور تضعیف مبارزات طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران علیه رژیم اسلامی منجر خواهد شد. در سومین سالروز حمله نظامی به عراق، باید بشریت متمنن در جهان علیه قلدری و میلیتاریسم و تروریسم آمریکا و ناتو و علیه تروریسم اسلامی و جریانات توجیه کننده آن پناخیزد. پایان دادن به تروریسم کار تروریستها نیست، کار مردم و طبقه کارگر است که در جنگ تروریستها ذینفع نیست. مردم ایران درگیر مبارزهای گسترده برای سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان يك نیروی مهم و مرکزی تروریسم اسلامی در خاورمیانه و جهانند. نفس تهدید حمله نظامی تا چه رسد به وقوع آن، نه رژیم اسلامی بلکه مبارزه مردم علیه آنرا تضعیف میکند. اگر کسی مخالف تروریسم است باید

مخالف حمله نظامی آمریکا و اسرائیل و ناتو به ایران و خواهان انزوای سیاسی و دیپلماتیک رژیم ایران باشد. باید خواهان توقف فوری تهدید حمله نظامی و اخراج رژیم اسلامی در سازمانها و مجامع جهانی باشد. باید در مقابل جنگ تروریستها از مبارزه مردم برای سرنگونی ارتجاع اسلامی و خواست آزادی و برابری دفاع کند. سرنگونی جمهوری اسلامی توسط جنبش آزادیخواهانه مردم ایران، جنبش تروریستی اسلام سیاسی را در مهمترین مرکز قدرتش زیر میکشد و این جنبش را بشدت تضعیف میکند. شکست تروریسم اسلامی بنویه خود زمینه را از میلیتاریسم و تروریسم دولتی آمریکا و ناتو میگیرد. در سالروز حمله به عراق، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران و جهان باید در صفی متحد علیه تروریستهای دولتی غرب و علیه تروریسم اسلامی و برای امر آزادی و برابری بمیدان بیایند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۱ مارس ۲۰۰۶

آنها در يك و نیم ساله اخیر مجمع عمومی چنان سنت شد که با هر اتفاقی، با هر اجحافی، با هر تهدیدی علیه رهبران کارگری، کارگران دست به تجمع میزدند، اظهار نظر میکردند و از رهبران خود بخوبی محافظت میکردند و از اینطریق قادر شدند مطالبات خود را تحمیل کنند. راه اندازی جنبش مجمع عمومی در همه مراکز کارگری و دخالت توده های کارگر در همه تصمیمات، کلید اصلی پیشروی جنبش کارگری و ایجاد تشکلهای پایدار کارگری، رشد نسل جدیدی از رهبران کارگری و اتحاد و انسجام این جنبش است. و ثانیاً، به سازمان حزبی و کمونیستی نیاز دارد تا نه تنها کارگران را در تقابل با جنبشهای دیگر و حکومت نمایندگی کند، نقد کارگر را از وضع موجود دائماً گسترش دهد و همگانی کند، راه نجات طبقه کارگر و کل جامعه از منجلا ب کنونی را اشاعه دهد و طبقه کارگر را در جدال سیاسی اساسی تر در جامعه نمایندگی و هدایت کند، بلکه حتی امر ایجاد تشکلهای توده ای کارگری و تضمین هژمونی سیاست رادیکال

عملی نخواهد بود. بعلاوه تحکیم رابطه فعالین مبارزات کارگری با حزب کمک میکند که اعتصابات آنها با قدرت بیشتری در سطح جامعه و در سطح بین المللی مطرح شود و اعتصاب ابعاد بسیار اجتماعی تر و موثرتری بخود بگیرد. طبقه کارگر در غیاب حزب و تحزب کمونیستی راه به جایی نمیرد. نه تنها در جدال سیاسی در سطح جامعه دست را به احزاب و سنتهای سیاسی دیگر میبازد و نسل اندر نسل باید استثمار شود و به دیگران سود برساند و خود محرومیت تحمل کند، بلکه حتی بر شکافهای مختلف در صفوف خود برای پیشبرد مبارزات روزمره نیز نمیتواند غلبه کند. هرچه حزب قدرتمندتر و سازمانش در میان کارگران قوی تر باشد، هرچه ایده های کمونیستی جای بیشتری در میان کارگران باز کرده باشد، کارگران موقعیت محکم تری در برابر حکومت و کارفرما خواهند داشت، با قدرت و اعتماد بنفس و اتحاد بیشتری برای مطالبات روزمره خود به حرکت درمیایند، همبستگی بیشتری سازمان میدهند و راحت تر دولت را به عقب میرانند. این وجود

شکافهای مختلف در میان کارگران، سطح توقعات پائین، ندیدن ریشه های استثمار و علت های بنیادی فقر و محرومیت و افکار و آرای عقب مانده و مذهبی است که به کارفرما و دولت امکان تسلیم کارگران، ایجاد تفرقه در میان آنها و تحمیل يك زندگی دشوار به آنها را عملی میکند و امکان میدهد که بعنوان اقشار توسری خور به آنها نگاه کند و مرتباً با وعده و وعید آنها را سر کار بگذارد. آنجا که حزب و رهبران اعتصابات دست در دست هم میگذارند، اعتصابات چنان قدرتی مییابد که حتی در يك مرکز کوچک کارگری میتواند قدرت خود را به دولت و به کل جامعه تحمیل کند. حزب ضروری است تا بتواند مبارزه در يك مرکز کارگری را به موضوعی مهم و اجتماعی در سطح شهر و کشور تبدیل کند، بلندگو و صدای رهبران اعتصاب شود تا توطئه کارفرما و دولت را در میان کارگران افشا و خنثی کند، همبستگی جلب کند، افکار عمومی را به حمایت از آن بسیج کند، به رفع تفرقه و شکاف کمک کند، تاثیرات سانسور را با انعکاس هرروزه خبر اعتصاب بی تاثیر کند،

و بدینطریق فشار اعتصاب را ده چندان کند و آنرا به سرانجام برساند. حزب لازم است تا رهبران جنبش کارگری بلندگوئی داشته باشند، ستاد و مرکزی داشته باشند، که صدایشان را و فراخوانشان را به گوش همه برساند و اعتصاب را پر قدرت به جامعه ببرد. حزب سیاسی طبقه کارگر باید هرچه بیشتر بر نفوذش افزوده شود و سازمان حزب در میان کارگران گسترش بیشتری پیدا کند و رابطه فعالین کارگری با حزب هرچه بیشتر تحکیم شود. و از طرف دیگر تشکلهای توده ای کارگری متکی بر اراده عمومی توده کارگران باید شکل بگیرد، اعتصابات باید ارتقا یابد، اجتماعی تر شود و رهبران سرشناس کارگری به تعداد هرچه بیشتر در مراکز کارگری و در سطح جامعه شکل بگیرند. اینها وجوه مختلف پیشروی طبقه کارگر است و رهبران جنبش کارگری و کارگران سوسیالیست و پیشرو نقشی تعیین کننده در این زمینه بعدده دارند. این يك مساله بسیار عاجل در جنبش کارگری است. این شرط پیشروی سریع جنبش کارگری بویژه در شرایط متحول سیاسی کنونی است. *

مانیتور

منتخب و فشرده اخبار حزب: اطلاعیه‌ها، آکسیون‌ها، فعالیتهای کادرهای حزب، گزارشهای دریافتی، ...

چهارشنبه سوری

امسال نیز در چهارشنبه سوری و در آستانه سال نو، شهرهای مختلف ایران شاهد تحرک مردم و رویارویی آنان با رژیم اسلامی بود. خلاصه بخشی از اخبار بنا بر اطلاعیه های سازمان جوانان کمونیست و کمیته کردستان حزب از اینقرار است:

در سنجیدگی خیابانهای اصلی شهر مملو از جمعیت بود. در میدان آزادی سنجیدگی بیش از ۱۰ نفر از جوانان دستگیر شدند.

در محلاتی پلاکارت‌هایی با مضمون "نه فدرالیسم، نه ناسیونالیسم رهایی انسان سوسیالیسم" برافراشته شد بود.

در مه‌باد از ظهر سه شنبه با وارد شدن نیروهای انتظامی و گارد ویژه شهر به حالا تعطیل درآمد و فضا کاملاً نظامی شده بود. با این وجود با تارک شدن هوا از ساعت ۶ بعد از ظهر شهر یکپارچه آتش شده بود. فشفشه و ترقه هوا میرفت و جوانان در شادی غرق شدند. زورگویی نیروهای مسلح به درگیری انجامید، در این درگیری تعدادی از جوانان دستگیر و بیش از ۱۰ نفر در این درگیری زخمی شده‌اند. مراسم چهارشنبه سوری به اعتراض وسیعی علیه رژیم تبدیل شد که تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت.

در پیرانشهر با ابتکاری جالب مردم شهر مسیر راهی که بیش از ۵ کیلومتر است و هفته گذشته یکی از اهالی توسط مزدوران جمهوری اسلامی در این محل به قتل رسیده بود را با برافروختن آتش در این مسیر گرامی داشتند.

در سقز و اشنونه نیز مانند سایر شهرها مردم به استقبال سال نو رفتند و با برپا کردن آتش و در کردن فشفشه و منفجر کردن ترقه جشن شادی خود را وسیعاً پیش بردند.

در تهران چهارشنبه سوری غوغا بود. جوانان، دختر و پسر همه بیرون بودند و صدای ترقه و انفجار همه خیابانها را گرفته بود. امروز حجابها کنار زده شده بود و خبری از آپارتاید جنسی نبود. صدای شادی در شهر بلند بود. حضور نیروهای انتظامی که طبق معمول از قبل خط و نشان کشیده بود و مردم را از برپایی آتش منع کرده بودند، در اوایل شب چشمگیر بود. اما مردم با جشن و شادی خود حضور نیروهای انتظامی

را خنثی کردند.

مراسم باشکوه مهدا در دفاع از کودکان در سنجیدگی برگزار شد

بنا به خبر کمیته کردستان حزب، روز یکشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۸۴ جشن مهدا در پارک امیریه - سنجیدگی از ساعت ۶ تا ۸ شب برگزار شد. صدها نفر از کودکان، خانواده‌هایشان و تعداد کثیری از مردم سنجیدگی در این جشن شرکت کردند. تراکتهایی با مضمون "شادی حق کودکان است! رفاه و امنیت کودکان وظیفه جامعه است! اعدام کودکان ممنوع! کار کودکان ممنوع! و کودکان مقدمند!" محل مراسم را تزئین کرده بود. در این جشن کودکان و خانواده‌هایشان و مردم سنجیدگی به استقبال سال تازه رفتند و حقوق کودکان را یک بار دیگر تاکید کردند.

در این مراسم سیمین چایچی یکی از فعالین دفاع از حقوق کودک و فعال جنبش زنان در سنجیدگی سخنرانی کرد و برای کودکان شعر خواند. او در سخنرانی خود اعلام کرد که حقوق کودکان بر هر منفعت دیگری مقدم است. بنابراین کودکان مقدمند. کودکان احتیاج به حمایت دارد و شادی و رفاه حق کودک است و... در بخش دیگری از سخنانش اعلام کرد شکوفائی استعدادهای کودکان و رعایت حقوق کودکان وظیفه جامعه و دولت است. هر کس این حقوق را نادیده بگیرد باید مردم در مقابلش بایستند و...

جمهوری اسلامی جعفر عظیم زاده و ۳ نفر دیگر از کارگران را دستگیر و کمک مالی به کارگران واحد را مصادره کرد

طبق گزارش منتشره در سایت "شورا"، روز ۱۷ اسفند ماه عوامل وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی عبدالرضا طرازی و منوچهر مهدوی از کارگران شرکت واحد و جعفر عظیم زاده و بهرام عابدینی از مسئولین کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری را دستگیر کرده، ۹۱۶۰۰۰ تومان کمک مالی به کارگران شرکت واحد را مصادره و جعفر عظیم زاده را به شدت مورد شکنجه قرار داده است.

طبق گزارش سایت شورا این

چهار نفر در حالیکه برای توزیع کمک مالی عازم منازل اعضای زندانی سندیکای واحد بودند دستگیر میشوند، سه نفر از دستگیرشدگان پس از بازجویی آزاد میشوند و جعفر عظیم زاده به اتهام تشویش اذهان عمومی، همراه با متهمین به قاچاق مواد مخدر و شراوت به زندان قزل حصار منتقل میشود. در قزل حصار برای تحقیر او موهایش را قیچی میکنند و پس از اعتراض او به این رفتارهای غیرانسانی، شش نفر از زندانبان شکنجه‌گر او را به شدت مورد ضرب و شتم قرار میدهند و بعد از سه روز در روز ۲۰ اسفندماه از زندان آزاد میکنند. جعفر عظیم زاده اکنون از ناحیه قفسه سینه، انتهای پشت کلیه و ناحیه کمر و گوش آسیب دیده است.

حزب کمونیست کارگری دستگیری فعالین کارگری و شکنجه زندانبان را شدیداً محکوم میکند و خواهان استرداد فوری ۹۱۶۰۰۰ تومان کمک مالی کارگران شرکت واحد میباشد. حزب همه مردم آزادیخواه و سازمانهای کارگری در سطح جهان را به اعتراض به جمهوری اسلامی و گسترش همبستگی با کارگران فرامیخواند.

کارگران ایران خودرو به اعتراضات خود ادامه میدهند

روز ۱۷ اسفند کارگران ایران خودرو رو در اعتراض به سطح نازل پاداش آخر سال خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از بخش شاتل شروع شد و بخشهای رنگ و سالن موتناژ و اکثر خطوط تولیدی کارخانه را در بر گرفت. در این حرکت اعتراضی کارگران از همان ابتدا کمیته اعتصاب خود را شکل دادند و توانستند اعتصابی متحد و همبستهای را آغاز کنند. در نتیجه این اعتراضات مدیریت وعده داد که به خواست کارگران رسیدگی شود و طرح طبقه بندی مشاغل که یک خواست دیگر کارگران است تا آخر اسفند ماه به اجرا گذاشته شود. در ادامه این اعتراضات کمیته اعتصاب کارگران شرکت ایران خودرو در ۲۲ اسفند بیانیه‌ای صادر کرد که در آن ضمن پاسخ به سخنان دانشیان معاونت "منابع انسانی" کارخانه در تقابل با اعتصاب آنان در مجله "کارآمد"، بر ادامه اعتراضاتشان تا

رسیدن به خواسته های خود یعنی خواست افزایش پاداش آخر سال و به اجرا درآمدن طرح طبقه بندی مشاغل تاکید گذاشت. در این بیانیه به کمیته حراست کارخانه هشدار داده شده است که دست از تهدید و فشار به کارگران معترض و رهبران کارگری بردارند.

پیروزی‌ای دیگر برای کارگران ایران صدرا

قبلاً به اطلاع رساندیم که کارگران کشتی سازی ایران صدرا در ۹ بهمن ماه با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار گرفتن کارگرانی که در استخدام موقت هستند دست به اعتصاب زدند و این اعتصاب ۲۱ روز به طول انجامید. اتحاد و همبستگی چشمگیر در میان کارگران موجب پیروزی این اعتصاب شد و کارگران با موفقیت و گرفتن قولهای مساعد سر کارشان بازگشتند. اولین موفقیت برای کارگران در این حرکت اعتراضی تحت پوشش اجتماعی قرار گرفتن کارگران قرارداد موقت بود. بدنبال این پیروزی بار دیگر کارگران کشتی سازی در روز ۱۳ اسفند ماه بار دیگر دست به اعتصاب زدند و حقوق ایام اعتصاب خود را مطالبه کردند و مدیریت ناگزیر در برابر این خواست کارگران عقب نشست و حقوق ۲۱ روز اعتصاب به کارگران پرداخت شد. اما کارگران همچنان خواسته‌های دیگر خود از جمله اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و خواست پرداخت طلب خود بابت اجرای این طرح از ابتدای مرداد ماه امسال را پیگیری کردند و اولتیماتوم دادند که در صورتیکه به این خواست پاسخ داده نشود مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد. بنا به گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، تحت فشار این اعتراضات بازهم مدیریت ناگزیر به عقب نشینی شد و از روز شنبه ۲۰ اسفند شروع به پرداخت طلبهای قبلی کارگران بابت اجرای این طرح و به اجرا گذاشتن آن کرد.

اعتصاب کارگران مجتمع بزرگ پتروشیمی کرمانشاه به پیروزی رسید

طبق گزارشی به حزب، مجتمع بزرگ پتروشیمی کرمانشاه هفته‌ای پر جنب و جوش و اعتصاباتی موفق را پشت سر گذاشت. کارگران این مجتمع در روزهای گذشته با اعتصابات فشرده

و گسترده خود در بخشهای مختلف این مجتمع موفق شدند تمامی دستمزدهای پرداخت نشده و عیدی آخر سال خود را دریافت کنند. روز یکشنبه ۲۱ اسفند ۴۰۰ کارگر شرکت پارس کیان، یکی از بخشهای پتروشیمی کرمانشاه، در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

روز دوشنبه ۲۲ اسفند ۳۰۰ کارگر در سایت آمونیاک دست به اعتصاب زدند.

روز سه شنبه ۲۳ اسفند ۴۵۰ کارگر سایت اوره از مجتمع پتروشیمی که پیمانکار مشترکی با بخش همیا دارد اعتصاب را شروع کردند. کارگران این سایت ده روز پیش نیز در اعتراض به همین موضوع دست از کار کشیده و تجمعی اعتراضی برپا داشتند.

روز چهارشنبه ۲۴ اسفند ۲۰۰ کارگر پیمانکاری قلی زاده دست به اعتصاب زدند.

در همین روز ۳۵۰ نفر کارگران پارس تدبیر فن نیز دست از کار کشیدند و با برپایی تجمع بر خواست پرداخت دستمزدهای پرداخت نشده پافشاری کردند. کارگران پارس تدبیر در ۱۸ اسفند نیز در همین رابطه حرکتی اعتراضی داشتند.

بدین ترتیب بعد از اعتصاب گسترده در بخشهای مختلف پتروشیمی کرمانشاه، کارگران موفق شدند تمامی دستمزدهای پرداخت نشده و عیدی پایان سال خود را دریافت کنند. به هر یک از کارگران بابت یکسال کار به ازای هر ماه ۲۴۰۰۰ تومان پرداخت شده است. در این اعتراضات همه جا کارگران نمایندگان واقعی خود را انتخاب کردند تا آنها را در اعتصاب نمایندگی کنند.

پیروزی کارگران پتروشیمی کرمانشاه، در ادامه پیروزی مبارزه کارگران کشتی سازی ایران صدرا، راه را بر پیروزیهای بیشتر هموار میکند و پیام مهمی برای کل طبقه کارگر دارد. میتوان با اتحاد و پافشاری بر خواسته‌ها، با تعیین نمایندگان منتخب و واقعی، و با خواسته‌های

روشن به پیروزی رسید. برخیزید و همه حقوق از دست رفته خود را از حلقوم صاحبان سرمایه و دولت جنایتکار آنها بیرون بکشید. جمهوری اسلامی ناتوانتر از آن است که در مقابل مبارزه متحد و یکپارچه شما توان ایستادگی داشته باشد. *

اسپانسورهای حزب و کمکهای مالی دریافتی

لیست اسپانسورهای حزب:

نام	مبلغ کمک ماهانه
۱- جلیل جلیلی	۵۰ پوند
۲- عبدل کلپریان	۵۰ یورو
۳- عمر معروفی	۱۰۰ یورو
۴- امیر توکلی	۵۰ یورو
۵- نازنین برومند	۳۰ یورو
۶- رضا نوری	۶۰ یورو
۷- غلام اکبری	۴۰۰ کرون
۸- گیتی آقاجانی	۴۰۰ کرون
۹- فریده آرممان	۵۰۰ کرون
۱۰- پریسا تسلیمی	۴۰۰ کرون
۱۱- جمیل فرزاد	۴۰۰ کرون
۱۲- صابر نوری	۱۰۰۰ کرون
۱۳- دنیس آزاد	۴۰۰ کرون
۱۴- کریم نوری	۴۰۰ کرون
۱۵- شهاب نوری	۴۰۰ کرون
۱۶- شراره نوری	۲۰۰ کرون
۱۷- منصور فرزاد	۵۰۰ کرون
۱۸- سوسن صابری	۵۰۰ کرون
۱۹- بهروز مهرآبادی	۵۰۰ کرون
۲۰- حسن صالحی	۵۰۰ کرون
۲۱- بابک یزدی	۶۰ دلار کانادا
۲۲- فاتح بهرامی	۶۰ دلار =
۲۳- میترا دانشی	۶۰ دلار =
۲۴- فروغ ارغوان	۶۰ دلار =
۲۵- جمشید هادیان	۱۰۰ دلار =

لیست اسپانسورهای حزب

از طریق چکهای تاریخدار در طی یکسال:

نام	مبلغ کمک
۱- مسعود ارژنگ	۱۰۰۰ دلار کانادا
۲- مهرداد صبوری	۶۰۰ دلار =
۳- عطا	۱۲۰۰ دلار =
۴- فهیمه صادقی	۱۰۰۰ دلار =
۵- مسعود آذرنوش	۱۲۰۰ دلار =
۶- سلیمان سیگارچی	۱۲۰۰ دلار =
۷- خسرو	۱۲۰۰ دلار =
۸- فرهاد	۱۲۰۰ دلار =
۹- عباس محمدی	۱۱۰۰ دلار =
۱۰- مصطفی صابر	۱۲۶۵ دلار =

لیست کمک مالی

داوود از ونکوور	۳۰ دلار کانادا
رضا نوری	۴۰۰ یورو

فراخوان به شرکت در تظاهرات ضد جنگ

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران همه ایرانیان و مردم آزادیخواه را فرا میخواند که در تظاهرات ضد جنگ که روز ۱۸ مارس در کشورهای مختلف برگزار میشود، فعالانه شرکت کنند. این تظاهرات در سالروز حمله نظامی به عراق و در شرایطی برگزار میشوند که با بالا گرفتن کشمکش میان آمریکا و دول غربی از یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر، جهان با خطر بروز یک جنگ دهشتناک و ویران کننده دیگر روبروست. ما همه مردم را فرا میخوانیم که با برافراشتن پرچم این شعارها، اعتراض بشریت متمدن علیه وضع موجود را بنمایش بگذارند:

* خروج همه نیروهای اشغالگر از عراق و در همان حال خلع

سلاح کلیه دار و دستههای مذهبی و قومی در این کشور

* نه به میلیتاریسم دولتی غرب، نه به اسلام سیاسی

* نه به تروریسم دولتی آمریکا، نه به تروریسم اسلامی

* نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی

* علیه جنگ، علیه تروریسم اسلامی، از مبارزات مردم

ایران حمایت کنید

* خواست مردم ایران توقف فوری تهدیدات نظامی و اخراج

جمهوری اسلامی از جامعه جهانی است.

واحدهای حزب با برافراشتن پرچم این شعارها در تظاهرات اعلام شده در کشورهای زیر فعالانه شرکت خواهند کرد:

کانادا

تورنتو - ۳۶۰ خیابان یونیورسیتی - مقابل سفارت آمریکا - ساعت ۱۲ ظهر

آلمان

برلین - ساعت ۱۵
Mehringdamm/Gneisenaustrasse
فرانکفورت - ساعت ۱۲ Paulsplatz

سوئد

استکهلم - ساعت ۱۳ در Sergelstorg
گوتنبرگ - ساعت ۱۳ در Götaplatsen
مالمو - ساعت ۱۲:۳۰ در Gustav Adolfs torg

انگلستان

لندن - ساعت ۱۱:۳۰ در مقابل پارلمان،
Parliament Square

هلند

آمستردام - ساعت ۱۳ در Museumplein

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

رفقای کارگر!

اول مه نزدیک است. با تمام قوا و همراه با خانوادههای خود برای برگزاری یک اول مه بسیار قدرتمند در سراسر کشور آماده شوید. پلاکاردها و قطعنامهها و خواستههایتان را آماده کنید. روز اول مه روز راهپیماییهای بزرگ، سخنرانیهای پر شور، قدرتمندی و اعلام کیفرخواست علیه این نظام غیرانسانی است.

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



امواج اعتصابات و تظاهرات فرانسه را در بر گرفته است

حق دارند کارگران و کلا کارکنان زیر ۲۶ سال را در دوسال اول استخدام هروقت که خواستند با یا بدون دلیل اخراج کنند. تمام کارگران به این طرح اعتراض دارند و تشکلهای اتحادیههای کارگری فرانسه از جمله فدراسیون "ث ت ژ" و همچنین حزب سوسیالیست و حزب کمونیست و حزب چپ رادیکال فرانسه به این طرح اعتراض کردهاند و از اعتصابات و تظاهرات دانشجویان و جوانان حمایت خود را اعلام کردهاند. تظاهرات اعتصابات دانشجویان و دانش آموزان از ۷ فوریه شروع شد که بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر در این تظاهرات در شهرهای مختلف شرکت کردند. طی این مدت که بیش از یک ماه میشود هرروز اعتصابات و درگیریها و تظاهرات ادامه داشته و دامنه گسترده تری پیدا کرده است. بنا به گزارشها ۶۳ دانشگاه در اعتصاب بسر میبرند، ۵۰ دانشگاه به اشغال دانشجویان درآمدهاند که دانشگاههای اصلی فرانسه را شامل میشود. قطارهای زیر زمینی بشدت مختل شده است. دبیرستانها و مدارس زیادی تعطیلند. روز ۱۲ مارس پلیس در ساعت نزدیک به ۴ صبح به دانشگاه سوربون در پاریس حمله برد تا به اشغال این دانشگاه پایان دهد. درگیری و جنگ گریز چند ساعته ای در گرفت و تعدادی زخمی شدند و دهها نفر بازداشت گردیدند. نخست وزیر و دولت فرانسه تاکنون نشانه ای از عقب نشینی را از خود نشان ندادهاند. ژاک شیراک که در چند هفته گذشته در برابر تظاهرات و راهپیماییها و اعتصابات بی سابقه در چند دهه اخیر ساکت مانده بود، سه روز قبل

حمایت بی قید و شرط خود را از طرح "قرارداد کار اول" اعلام کرد و خشم مردم فرانسه را برانگیخت. دانشجویان روز تظاهرات سراسری بعدی را ۱۶ مارس و ۱۸ مارس اعلام کردهاند. اما دیگر تعیین روز معینی برای تظاهرات معنای زیادی شاید نداشته باشد. همه روزها روز اعتصاب و تظاهرات است و وقته ای مشاهده نمیشود.

طرح CPE طرحی است که تظاهرات برای مقابله با میزان بالای بیکاری در فرانسه که در میان جوانان به ۲۳ درصد میرسد طراحی شده است. اما کارگران و دانشجویان میگویند این طرحی است که فرانسه را به قهقرا میبرد و شروعی است برای بازپس گیری بسیاری دیگر از حقوق پایه ای کارگران و مردم. سیاست تهاجم به دستاوردهای کارگران و زدن از تامينات و حقوق اجتماعی مردم در یکی دو سال اخیر در کشورهای مختلف اروپا شدت بیشتری پیدا کرده است. دولتهای اروپایی با این سیاستها میخواهند سودآوری و قدرت رقابت سرمایه ها را در کشورهای خود بالا ببرند و با موج فرار سرمایه ها از کشورهايشان جلوگیری کنند. سیاست پایین کشیدن سطح حقوق و زندگی کارگران در کشورهای پیشرفته غربی مرزی نمیباشد و اگر مقابله ای جدی در همه جا با آن صورت نگیرد بطور واقعی عقبگردی تاریخی را به مردم در این کشورها تحمیل خواهد کرد. اگر مقابله ای جدی و همه جانبه و حساب شده با این سیاستها از سوی کارگران در همه کشورها صورت نگیرد، صاحبان سرمایه ها و دولتها همچنان که تاکنون بوده است سادهترین راه مقابله با بحرانهای اقتصادی را زدن از حقوق اجتماعی کارگران و مردم میبینند و به تهاجم به سطح زندگی مردم دائما ادامه خواهند داد. دانشجویان و کارگران فرانسه نشان میدهند که به شکست کشاندن طرح دولتها و موسسات سرمایه داری کار غیر ممکن نیست و باید با روشنی و قاطعیت

در این راستا به حرکت درآمد. سوی دیگر این تلاش قطعاً باید دامن زدن به اتحاد طبقاتی و جهانی کارگران باشد که کارگران در کشورهای پیشرفته صنعتی از مبارزات همه بخشهای کارگران در همه کشورها مصممانه دفاع کنند و برای پایان دادن به شرایط استفاده سرمایه از کار ارزان و کارگر خاموش در کشورهای موسوم به "جهان سوم"، با کارگران در این کشورها آگاهانه و هوشیارانه و مصممانه متحد شوند.

دستمزد زیر خط فقر و رضایت بیحد شوراهای اسلامی

بارها شاهد این بوده ایم که "شوراهای اسلامی" و "خانه کارگر" جمهوری اسلامی از افزایش دستمزد کارگران ظاهراً دفاع میکنند. هر کس که به امر سیاست در ایران آشنا باشد میداند که وقتی اینها برسر حقوق کارگری نق و نوقی میکنند، حتماً در میان کارگران جنبشی اعتراضی و گسترده در جریان است. این نق و زنها نطفه های توطئه ای است که برای عقب راندن و مسخ آن اعتراضات براه افتاده است. یک نمونه زنده را که این روزها شاهد بودیم مساله افزایش دستمزدها بود. جمهوری اسلامی پایه دستمزد کارگران برای سال ۸۵ را ۱۵۰ هزار تومان تعیین کرده است. این نصف میزان خط فقر به روایت خود جمهوری اسلامی است. قطعاً هر کارگری که خبر تصویب این میزان نازل دستمزد را شنیده خشمی عمیق نسبت به این حکومت وجودش را فرا گرفته است. زیرا میداند که با این میزان از دستمزد نصف ماه هم نمیتوان زنده بود چه رسد به اینکه زندگی ای انسانی داشت. اما پادوهای رژیم که مدتی بود از افزایش دستمزد کارگران "دفاع" میکردند، ارزیابی جالبی از این افزایش کذایی دارند. به سخنان عضو هیئت مدیره "کانون شوراهای

اسلامی کار استان تهران" که جمهوری اسلامی با پیشروی آنها را "نماینده کارگران" مینامد دقت کنید. ایشان میگویند: "ترخ رشد حداقل دستمزد کارگران در طول ۲۷ سال گذشته بی سابقه بوده است". این شخص که نامش علی دهقان کیا میباشد در گفتگو با "ایلنا" اضافه میکند: "...بسیار خرسندیم که امسال با تعاملات سازنده ای که صورت گرفت موجبات رضایت کارگران تا حد زیادی فراهم آمد و بر عکس سالهای گذشته که پس از اعلان نهایی مقدار حداقل دستمزد به همراه کارگران عزادار بودیم امسال بر عکس این امر اتفاق افتاد". پس از این ابراز رضایت و گفتن اینکه این دستمزد در معیشت کارگران "تاثیر بسیار مثبتی خواهد داشت"، جناب نماینده "کارگری" جمهوری اسلامی برای کارفرمایان محترم دلش به درد می آید و میگوید "البته کارفرمایان از رقم اعلام شده راضی نیستند و نگرانیهایی برایشان ایجاد شده است." و بعد اضافه میکند که "کارفرمایان نگران نباشند دولت برنامه هایی برای کمک به آنها دارد که در آینده با اعلام آنها دلگرم خواهند شد".

جناب دهقان کیا نقش واقعی تشکلهای ضد کارگری شوراهای اسلامی را با همین چند جمله بروشنی جلوی چشم میگذارد. خوشترقی برای جمهوری اسلامی، دلسوزی برای کارفرمایان، و بعنوان "نماینده کارگران" مشروعیت بخشیدن به تصمیماتی شدیداً ضد کارگری. این پادوی جمهوری اسلامی دارد نشان میدهد که رمز انزجار و تنفر اکثریت وسیع کارگران از این سلولهای جمهوری اسلامی در کارخانجات در چیست. ادامه این انزجار قطعاً تلاش و مبارزه کارگران برای انحلال این دستگاههای جاسوسی جمهوری اسلامی است که سوت آغاز آنرا کارگران شرکت واحد با خواست روشن "انحلال شوراهای اسلامی" در شرکت واحد زده اند. *

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!